هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله

یک رسوایی دیگر!

ص۲

حکم کاندیدا شدن در روزگار حاضر

ص۶

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ پانزدهم ۹ اسد ۱۳۸۹ ۱۹ شعبان المعظم ۱۴۳۱ - 31 july 2010

نیمهٔ پنهان جنگ امریکا در افغانستان



چند روز قبل پایگاه انترنتی ویکی لیکس بیش از نود هزار سند طبقه بندی شده از فعالیت های جنگی امریکا را در اختیار روزنامه های نیویارک تایمز چاپ امریکا، گاردین چاپ انگلستان و مجلهٔ اشپیگل آلمانی قرار داد. سپس از طریق پایگاه انترنتی ویکی لیکس نیز این اسناد را در معرض مطالعه مردم قرار گرفت. گفته می شود که حدود هفتاد و پنج هزار از این اسناد مربوط به جنگ افغانستان است.

هنوز چند ساعت از انتشار این اسناد نگذشته بود که عکس العمل های متفاوتی را برانگیخت. قبل از همه جمیز جونز مشاور امنیت ملی امریکا ضمن تقبیح این عمل گفت که این کار می تواند جان سربازان ما و متحدین ما را در افغانستان به خطر مواجه سازد.

باراک اوباما رئیس جمهور امریکا گفت که این اسناد مطالب تازه ای ندارد و حاوی مطالبی است که روی آن قبلا بحث صورت گرفته است. به همین دلیل من استراتژی جنگ در افغانستان را بازنگری کردم.

حکومت افغانستان هم به مشاور امنیت ملی و وزارت امور خارجه وظیفه داده است تا این اسناد را بدقت مورد ارزیابی قرار دهد. سخنگوی رئیس جمهور کرزی گفت که افشای این اسناد برای ما تکان دهنده بود.

محتویات این اسناد:

این اسناد حاوی اطلاعاتی از فعالیت های نظامی از سال ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۰ است که به مراجع مربوط فرستاده شده است. در میان آنها میتوان راپور هائی مانند بخش هائی از سخنرانی یک فرمانده طالب در ولایت کنر در مورد کشته شدن یک زن و طفلش بدست نیروهای خارجی را یافت اما مطالب این راپور ها همه در مورد جریانات ص ۲

د ترهګرۍ په هکله د مایک مولن وروستۍ څرګندونې

ص۵

نګاهی گذرا به برخی از نادرستی ها

در پوسترهای کاندیدا

***

ص ۳

برگ متال بازهم دست به دست شد

ص۳

***

ضرورت جامعه به خودآگاهی فرهنگی

ص ۵

***

معلومات در بارهٔ جعبهٔ سیاه

ص ۷

در پی افشای اسناد جنایات جنگ افغانستان، آقای کرزی:

در صورت صحیح بودن این اسناد، خواستار تغییرات در امر مبارزه با تروریزم خواهیم بود



حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان به دنبال افشای ۹۱ هزار سند محرمانهٔ استخباراتی در خصوص جنگ در این کشور و دست داشتن پاکستان در این روند، اعلام کرده است: در صورت صحیح بودن این افشاگری، دولتش خواستار تغییرات در امر مبارزه با تروریزم خواهد شد.

اسناد محرمانهٔ استخباراتی جنگ افغانستان روز یکشنبه ۳ اسد در پایگاه اینترنتی ویکی لیکس امریکا منتشر شد و به تعقیب آن، وب سایت مذکور اعلام کرد که ۱۵ هزار سند دیگر نیزدر این راستا در اختیار دارد و در صورت لزوم آن را منتشر خواهد کرد.

حامد کرزی روز پنجشنبه هفتم اسد در یک نشست خبری با احتیاط صحبت می کرد. گفت: دولت افغانستان تا واضح نشدن چگونگی اسناد افشاء شده که مسایل در آن زیاد است هیچ ابرازنظری نمی کند.

بربنیاد اسناد افشاء شده در موردجنگ، استخبارات پاکستان در ناامنی ها، تمویل و تجهیز طالبان از لحاظ وسایل تخنیکی دست دارند و حتی سران این سازمان با رهبران طالبان در جلساتی که طرح عملیات های تخریبی را دارند شرکت نموده، مشوره می دهند.

در این نشست خبری آقای کرزی تصریح کرد: دولت افغانستان با کشورهای همسایه (ایران و پاکستان) همانطوری که در قبل روابط دوستانه داشته این ارتباط را ادامه خواهد داد و با آن ها در مبارزه علیه تروریزم همگام خواهد بود، اما با به دست آوردن هرگونه جزئیات در راستای فعالیت های استخباراتی، آن ها را درجریان خواهد گذاشت.

رئیس جمهور افغانستان با انتقاد شدید از بعضی برنامه های تلویزیون های خصوصی گفت: تعدادی از رسانه های تصویری دراین کشور خنجر گرفته به جان ملت می زنند. آقای کرزی می گوید: افغانستان از جمله محدود کشورهایی است که به سطح وسیع آزادی مطبوعات درآن وجود دارد.

وی به تمام رسانه های تصویری، صوتی و چاپی هشدار داد که بعد از این از دامن زدن به اختلاف وتفرقه اندازی میان اقوام، به نام زبان، دین و مذهب خود داری نمایند و در صورت تخلف با آنان برخورد قانونی صورت می گیرد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک تعمیرنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپه نرسیده به هوتل کابل شاهین
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

یک رسوایی دیگر!

در هفتهٔ گذشته دروازهٔ بستهٔ نودو یک هزار سند محرمانه از فعالیت های استخباراتی نیروهای خارجی به روی رسانه ها به صورت نا خواسته بازگردید و جیمزجونز مشاور امنیت ملی امریکا، افشای این اطلاعات محرمانه را شدیداً محکوم کرد و گفت که افشای این اسناد می تواند جان امریکایی ها و متحدان امریکا را در معرض خطر قرار دهد و امنیت ملی امریکا را تهدید نماید.

در مورد این که اسناد مذکور دارای چه اهمیتی و از چه نوع است، حرف های زیادی گفته و نوشته شده است.

- درز این اسناد در تاریخ اردوی امریکا بی سابقه است.
- ناتو نگران کمک پاکستان و ایران به شورشیان است.
- شورشیان به موشک های حرارت جو که می تواند طیارات ناتو را سقوط دهد، دست یافته اند.
- در این اسناد هویت عوامل استخباراتی که با ناتو همکاری دارند، افشا شده است.
- این اسناد شگفت آور نیست.
- و ... هنوز مشخص نیست که این اسناد بدون خواست و یا اجازهٔ امریکا به نشر رسیده یا بنا برخواست و ارادهٔ آن؟

در مورد دستگاه های استخباراتی غرب حرف های زیادی گفته و شنیده شده و تصور بر این است که این دستگاه ها و اطلاعات آنان بسیار منظم و دقیق است. اما در عمل چیز دیگری مشاهده می شود!

آنچه روشن و انکار نا پذیر است، نا درستی شیوه های جنگ و اطلاعات مربوط به آن و حتی در صحنه های سیاسی است. آن طوری که تصور می شود این کشور ها و دستگاه های استخباراتی و اطلاعاتی آن، بسیار قوی و آگاه نیستند و بار ها مرتکب اشتباهات و حتی تکرار اشتباهات شده اند!

هنوز این کشور ها و سازمان ها یک درک درست و تحلیل عمیق و همه جانبه از کشور های ما و وضع این کشور ها ندارند و هنوز با واقعیت آشنایی درست ندارند. شناخت و برداشت درست و تحلیلی از مردمان ما و اصول و ارزش های آنان ندارند و به آن کمتر بها می دهند!

هنوز نمی دانند که چه کار و اقداماتی باعث تنفر مردم از آنان می گردد و چگونه می توان از میزان این نفرت عمومی کاست. چند عنصر استخباراتی و یا چند ترجمان و یا کارمند موسسات داخلی و یا خارجی نمی تواند واقعیت های جامعهٔ افغانی را به این کشور ها و سازمان ها باز گو نماید.

تلاش برای تضعیف نهادهای اصیل جامعهٔ افغانی و رهبران شناخته شدهٔ مردم افغانستان و جلوگیری از بسط حضور و نفوذ آنان در دولت و جامعه، از اشتباهات بزرگ این کشور ها و سازمانهاست. بیاید تا همه به حیث انسان متساوی الحقوق به دنبال منافع مشترک کشور ها و ملت ها با شیم. بیاید به جای میلیون ها دالر مصارف استخباراتی بیشتر آن بی مورد و بیجاست، در پی به دست آوردن قلوب مردمان مظلوم و تحت ستم باشیم و دنیا را به حیث خانه مشترک همه انسانها، خانهٔ امن و راست بسازیم و از هر عملی ضد حقوق بشر وجنگ و فتنه اجتناب نمائیم و به نسل های امروز و فردا درس محبت و انسانیت و زندگی مسالمت آمیز را بدهیم و دل های آنان را آگنده از عقده و نفرت در برابر همنوعان نسازیم بلکه، به فرداهای روشن امیدوار نمائیم.

نیمهٔ پنهان جنگ امریکا در افغانستان

وحید مژده



ادامه از صفحهٔ اول

داخل افغانستان نیست. بخشی از این گزارش ها حاوی مطالب مهمی در مورد مداخلهٔ آی اس آی، بیشتر از آنچه که تاکنون برملا شده بود می باشد از جملهٔ تلاش در کشتن بعضی از افراد مهم حکومت افغانستان. هرچند این مسایل قبلا از جانب مقامات امنیتی حکومت افغانستان افشا شده بود و همانگونه که رئیس جمهور امریکا نیز اشاره داشت، تازگی ندارد.

اما موضوع مهم کشتار غیرنظامیان افغان است که در این اسناد در هر مورد به آن اشاره شده است. همانگونه که میدانیم نیروهای خارجی هربار که مرتکب کشتار غیرنظامیان می شدند، یا آنرا رد می کردند و یا اینکه فقط تعداد معدودی را غیرنظامی به شمار می آوردند و با این توجیه که طالبان از مردم غیرنظامی به شکل سپر انسانی استفاده می کنند، خود را برائت می دادند. در آخرین مورد از این سلسله وقایع، حملهٔ موشکی امریکائی ها به ولسوالی سنگین موجب کشته شدن پنجاه ودو غیرنظامی شد که رئیس جمهور کرزی نیز این ماجرا را تائید کرد و مانند همیشه از نیروهای خارجی خواست تا در عملیات از احتیاط کار بگیرند اما نیروهای امریکائی از این جریان ابراز بی خبری کردند.

این اسناد مشخص می سازد که تعداد غیرنظامیانی که در افغانستان به دست نیروهای خارجی کشته شده اند به مراتب بیشتر از تعدادی است که به صورت رسمی به آن اعتراف شده بود.

دروغ هایی که افشا می شود

این اسناد نشان می دهد که امریکائی ها نه تنها به مردم افغانستان دروغ گفته اند بلکه حتی به متحدین خود شان نیز از گفتن دروغ و وراونه جلوه دادن حقایق ابائی نداشته اند. به عنوان مثال در یک مورد کشته شدن چهار سرباز کانادائی را به طالبان نسبت داده بودند اما در یک سند در این مورد دیده می شود که این سربازان به دست نیروهای امریکائی کشته شده اند. البته این قتل به صورت عمدی صورت نگرفته بود اما چون نمایانگر عدم هماهنگی میان نیروهای خارجی در افغانستان بود، امریکائی ها قتل این سربازان را به طالبان نسبت دادند.

در این اسناد به چند مورد خودکشی سربازان و یا کشته شدن یک سرباز به دست سرباز دیگر و یا کشته شدن سربازی به دلیل عدم دقت و یا بازی با وسایل جنگی سخن رفته است.

همه در این کار دست داشته اند

در این اسناد تنها امریکائی ها متهم نیستند بلکه نیروهای کشور های دیگر هم در این جنایات دست دارند به عنوان مثال آتش باری نیروهای فرانسوی به سوی یک بس مسافر بری و کشته و زخمی شدن هشت کودک در این رخداد یا فیر نیروهای پولندی در یک مراسم عروسی و کشتن چند تن از جمله یک زن باردار در این رخداد همه از مواردی است که نشان می دهد نیروهای خارجی در مجموع نسبت به حفظ جان غیرنظامیان در افغانستان بی توجه بوده و جان افغان ها برای شان ارزشی نداشته است.

جاسوسان افغانی

اینکه جیمز جونز مشاور امنیت ملی در قصر سفید گفته بود که افشای این اسناد می تواند زندگی سربازان ما ویا متحدین ما را به خطر اندازد، به این معنی هم می تواند تعبیر گردد، در مواردی که این اسناد از افغان هائی نام برده شده که به امریکائی ها گزارش هائی را فراهم کرده اند. هرچند گفته شده که حدود پانزده هزار از این اسناد که حاوی نام های جاسوسان افغان بوده، منتشر نشده است.

نقش سازمان ملل متحد

این اسناد می تواند رسوائی دیگری برای سازمان ملل متحد نیز تلقی گردد. مجوز حمله به افغانستان را شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر کرد اما هیچگاه به خاطر کشتار غیرنظامیان به نیروهای خارجی در افغانستان برخورد قاطع نداشت.

این سازمان حدود دو سال قبل طی یک گزارش تعداد افراد ملکی کشته شده در افغانستان را حدود شش هزار نفر تخمین زد و گفت که بیش از هفتاد درصد این کشتار به دست طالبان صورت گرفته است. اکنون در این اسناد مشخص می شود که تعداد کشته ها بدست سربازان خارجی در افغانستان به مراتب بیشتر از چیزی است که در گزارش سازمان ملل متحد آمده است. آیا این سازمان بیطرفانه عمل کرده است؟

لازم به تذکر است که سازمان ملل متحد تعداد کشته های مردم غیرنظامی در طی جنگ های بعد از سقوط داکتر نجیب الله از سال ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۴ را بیش از شصت هزار نفر تخمین نموده بود.

چگونه این اسناد افشا شد؟

یک سوال عمده اینست که چگونه این اسناد به دست ویکی لیکس افتاد؟ دست یابی به اسنادی چنین مهم وحساس کار یک شخص یا یک گروه کوچک نیست. آیا این کار به معنی وارد آوردن فشار بیشتر بر پاکستان است؟ اگر چنین باشد پس باید منتظر تغییر سیاست امریکا در قبال پاکستان بود.

از آنجائی که این اسناد از سال ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۰ را در بر می گیرد که بیشتر این دوره را جمهوریخواهان در ایالات متحده بر مسند قدرت بودند، این احتمال که اسناد مذکور برای نشان دادن غلط کاری های جمهوریخواهان و ادارهء آنان تحت رهبری جورج بوش از جانب هواداران حزب دیموکرات افشا شده باشد، بدور از احتمال نیست.

پاسخگوی این جنایات کیست؟

حملهء امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ به این بهانه صورت گرفت که مراکز القاعده و تروریسم در این کشور قرار دارد اما اکنون امریکا خود مدعی است که رهبران القاعده و طالبان در خارج از مرزهای افغانستان اند. اگر چنین است پس امریکا برای ادامهٔ جنگ در افغانستان چه توجیهی دارد؟

بر طبق این اسناد درحالیکه مراکز تروریسم درخارج از مرزهای افغانستان بوده و امریکا نیز از این مسئله مطلع بوده است، پس دلیل جنگ و ازدیاد نیروهای نظامی در افغانستان چیست؟ امریکا باید در قبال کشتار مردم افغانستان جوابگو باشد.

در حالی که امریکا به کسانی چون عمرالبشیر اتهام جنایات جنگی می زند و خواستار محاکمهء او می باشد و نیز عده یی را در یوگوسلاویای سابق به نام جنایتکار جنگی به محاکمه کشیده است، اکنون امریکائی ها را کدام مرجع به محاکمه بکشد؟

بی عدالتی در روابط بین المللی خود یک عامل مهم در رشد تروریسم است اما دنیائی که ما در آن زندگی می کنیم، چنین وضعی دارد. پس با چنین بی عدالتی در سطح بین المللی می توان به شکست تروریسم امیدوار بود؟

این اسناد مشخص می سازد که تعداد غیرنظامیانی که در افغانستان به دست نیروهای خارجی کشته شده اند به مراتب بیشتر از تعدادی است که به صورت رسمی به آن اعتراف شده بود.

نگاهی گذرا به برخی از نادرستی ها در پوستر های کاندیداها



* فقیری *

انتخابات برای گزینش نمایندگان مردم در ولسی جرگه، تا دو ماه دیگر، صورت خواهد پذیرفت و کاندیدا های بی شمار باهم به رقابت خواهند پرداخت... این رقابت ها هم اکنون آغاز یافته و پوستر ها و اوراق تبلیغاتی کاندید ها، سیمای شهر را دگرگون ساخته است.

از ویژگی های این انتخابات، تعداد کثیری کاندیدا ها است که کار گزینش و انتخاب را برای مردم مشکل ساخته است و حتی از هر صنف و هر گروه و حزب، بیش از حدم معمول، کاندیدا ها به صحنه آمده و مسوولین و حامیان آن ها، نتوانسته اند مدیریت نمایند! اکنون به برخی از نادرستی ها و نارسایی های تعدادی از پوستر ها در شهر کابل اشاره می شود.

* از نادرستی های شایع در این پوستر ها، کلمات پارلمان، ولسی جرگه و ولایت کابل است. طور مثال در پوستر یکی از کاندیدا ها که شمارۀ انتخاباتی آن ۳۹۴ است، چنین نوشته :

کاندیدای مستقل پارلمان ولایت کابل

این نادرستی واشتباه در اکثر پوسترها دیده می شود واز چند لحاظ قابل نقد است:

۱– اکثر افراد چیز فهم به شمول برخی از وزرا و نمایندگان مردم، پارلمان را ولسی جرگه می دانند در حالی که ولسی جرگه بخشی از پارلمان است! پارلمان در قانون اساسی ا فغانستان به نام شورای ملی آمده که متشکل است از ولسی جرگه و مشرانوجرگه و یک اتاق از شورای ملی را نمی توان پارلمان گفت!

۲– آنچه به نام پارلمان و یا ولسی جرگه یاد می شود، از تمام کشور است و نه تنها از ولایت کابل! ما چیزی به نام پارلمان کابل و یا ولسی جرگۀ کابل نداریم و درست آنست که گفته ونوشته شود:

کاندیدای ولسی جرگه از ولایت کابل

* در یک پوستر دیگر نوشته شده:

کاندید مستقل انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۹ ولایت کابل

که در نادرستی یاد شده، کلمۀ کاندید هم نادرست واشتباه است و کاندیدا درست است.

*در یک پوستر دیگر این شعر نوشته شده:

تو شاهینی به پرواز آه ومستی کن...

که اشتباه و نادرستی بزرگ کلمۀ «آه» است که به معنی ناله وآواز دل است و به جای آن «آ» درست است که به معنی آمدن است و درینجا پرواز کردن است.

*کاندیدای دیگر نوشته است (شمارۀ انتخاباتی ۶۳۲):

همت بدرقۀ را هم کن ای طاهر قدس...

که شامل دو اشتباه است:

۱ــ جای (م) اشتباه شده: همتم بدرقۀ راه کن ...

۲ـ به جای طایر که طیران کننده وپرنده است، طاهر نوشته شده که به معنی پاک است!

*در پوستری دیگر با شمارۀ انتخاباتی ۵۱۴ چنین شعار داده شده است:

مصلحت اندشی و معامله را نابود باید کرد

نمیدانم آقای کاندیدا چرا برداشت منفی و نادرست از کلمات «مصلحت» و «معامله» دارد که در پی نابودی آن است!

این دو کلمه در جامعۀ ما هرگز بار منفی نداشته و هنوز هم در عرف، مردم ما کلمۀ مصلحت را به معنی مشوره و مفاهمه می گیرند و معامله را که همه روزه صورت می گیرد و یک نمونۀ برجستۀ آن «رهنمای معاملات» است که در هر ناحیۀ شهر ده ها رهنمای معاملات وجود دارد ... همچنین مردم ما به مراسم شیرینی خوری و عروسی ها نیز «معامله» می گویند...

حتی مصلحت اندیشی ها و معامله گری های سیاسی نیز چندان غیر متعارف و مذموم نیست و افراد و گروه ها برای مقاصد جایز و روا می توانند مصلحت اندیش باشند و معامله گر!

هرگاه معامله ها ضرری را متوجه کشور و هموطنان نسازد، هیچ باکی ندارد که صورت گیرد و در دنیا رایج و معمول است.

اما جایی که اصول و ارزش ها زیر پا گذاشته شود و برای دست یابی به اهداف و خواسته ها، معامله صورت گیرد، آنجاست که باید علیه همچو معامله ها به پاخاست و در پی نابودی آن شد.

به یقین که منظور کاندیدای یاد شده نیز همین است.

برگ متال بازهم دست بدست شد

ابوبکر سبزوار

هرقدر زمان به انتخابات پارلمانی نزدیک تر می شود، دامن ناامنی ها گسترده تر می گردد. مثل اینکه مخالفین به صورت جدی انتخابات را نشانه گرفته اند.

کمسیون مستقل انتخابات از قبل اعلام داشته که در مناطقی که امنیت برقرار نباشد، انتخابات برگزار نخواهد شد اما نیروهای امنیتی کشور وعده داده اند که امنیت انتخابات را به صورت قناعت بخش تامین خواهند کرد اما در این اواخر وقایعی اتفاق می افتد که می تواند هوشدار دهنده و موجب نگرانی باشد.

به عنوان مثال دست بدست شدن ولسوالی برگ متال در ولایت نورستان میان دولت و طالبان در ظاهر امر زیاد با مسئلۀ انتخابات رابطه نمی گیرد اما اگر به این ماجرا با دقت بیشتری نگاه کنیم، با توجه به موقعیت سوق الجیشی این منطقه و اهداف دیگری که طالبان را باربار به حمله به این ولسوالی وادار می سازد، می تواند به ناامنی های بیشتر در ولایات دیگر بیانجامد و بر پروسۀ انتخابات تاثیرات منفی بجا بگذارد.

در هشتم جوزای سال جاری پس از یک جنگ که پنج روز بدرازا کشید، ولسوالی برگ متال بدست طالبان افتاد. گفته شد که در حمله به برگ متال طالبان از آنسوی مرز بداخل خاک افغانستان آمده بودند.

قبل از این ماجرا، وکلای نورستان در ولسی جرگه هوشدار داده بودند که طالبان در ولایت نورستان به صورت آزادانه رفت و آمد دارند. آنها درصدد اند تا بعد از حملات نیروهای پاکستانی در وزیرستان و حملات طیارات بی سرنشین امریکائی، از نورستان به عنوان یک مرکز مهم استفاده نمایند.

جنرال مک کریستال که در آن زمان مسوولیت فرماندهی نیروهای ناتو را به عهده داشت در عکس العمل به این واقعه گفت که برگ متال از اهمیت استراتژیک چندانی برخوردار نیست.

برگ متال یک ولسوالی از ولایت نورستان است که در نزدیک خط دیورند قرار دارد و از طرف دیگر از طریق این ولسوالی می توان به چند ولایت شمالی و شمال شرقی رفت وآمد کرد.

از برگ متال به چترال هشت راه امتداد یافته است و از راه برگ متال می توان به کنر، لغمان، پنجشیر و بدخشان رفت وآمد کرد. این راه ها در دوران جهاد مسیر های اکمالاتی مجاهدین بودند. از این مسیر می توان تا آسیای میانه و حتی سین کیانگ در چین راه باز کرد. این مسئله می تواند برای القاعده نیز مورد توجه و اهمیت باشد.

در زمان تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان، به دلیل صعب العبور بودن ولایت نورستان، نیروهای شوروی ترجیح دادند تا این ولایت را بحال خود بگذارند.

بعد از حملۀ طالبان در هشت جوزا و تسخیر برگ متال که برای دومین بار آنها این ولسوالی را گرفتند، وزارت امور داخله از آمادگی ها برای باز پس گرفتن این ولسوالی خبر داد و سرانجام در آستانۀ تدویر جرگۀ مشورتی صلح اعلام شد که برگ متال بار دیگر از دست طالبان بیرون آورده شده و اکنون نیروهای امنیتی افغانستان در آن مستقر شده اند.

در همان زمان مردم محل ترک این ولسوالی از جانب طالبان را یک اقدام تاکتیکی دانستند. آنها می گفتند که طالبان بعد از اینکه سلاح ومهمات این ولسوالی را منتقل کردند، از آنجا عقب نشینی نمودند. اکنون آنها منتظر اکمال مجدد این ولسوالی اند تا بار دیگر به آن حمله ور شوند و برای سومین بار این ولسوالی دست بدست شود.

حملۀ مجدد طالبان به برگ متال چندروز قبل صورت گرفت و طالبان بار دیگر این ولسوالی را اشغال نمودند. بار دیگر انتقال سلاح و مهمات و مواد اکمالاتی و بار دیگر ترک ولسوالی بعد از یک جنگ مختصر. کاری که در آینده تکرار آن بدور از احتمال نیست.

هربار بعد از اینکه نیروهای امنیتی برگ متال را مجددا از طالبان پس می گیرند، این تحول نشان از بلند رفتن ظرفیت نیروهای امنیتی شمرده می شود اما لازم است تا چاره یی ای برای تقویت این ولسوالی سنجیده شود تا بار دیگر از آن به عنوان یک طعمه برای طالبان استفاده نشود.

ارزش پند و سخنان عبرت آموز در دیوان شاعران بزرگ فارسی سرای

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

تمثیل ،حکایت ،قصه ،اساطیر ، پند وسخنان عبرت آموز ، چاشنی های نخستین ادبیات کلاسیک مارا می سازد . انسانها تجارب نخستین خود را ازین حکایات تمثیل ها ، سخنان حکمت آموز بدست می آورند. طبیعت جستجو گر انسان ، آنها را به سخنان پند آموز ، آن هم به زبان شعر وا میدارد. بسیاری از آثار کلاسیک ادبیات ما مملو ازین پند ها ، وحکایاتی است که هر یک به سهم خود ، گنجینه بزرگ معنوی را در پی دارد. شهنامه فردوسی یکی از حماسه های منحصر به فرد جهان است ، که از چنین پند ها ، حکایات ، اساطیر ، جنگ ها ، صلح ها و عبرت ها لبریز می باشد. کتاب کلیله ودمنه به خزائن دانش در عهد عباسی ها یاد می گردید که از چنین زاویه ها ، مورد بحث قرار می گیرد. در مثنوی مولانا ،سعدی ، سنایی غزنوی ، عطار ، گرشاسپ نامه و ... از چنین غنامندی برخوردار می باشند. تلفیق حکایت های حقیقی با خیالی وپیریزی کردن مکتب نوین بر این اساس برای تبیین عقاید وافکار عرفانی ، اجتماعی ، اخلاقی ، فلسفی ، کلامی وغیره با این عمق وگسترده گی از ابتکارات بزرگی است که مولانا در مثنوی بدان توفیق یافته است . محققان ومفسران زیادی تا کنون پیرامون این حکایات وتمثیلات در مثنوی پرداخته اند، تا از این حکایات چهره های انسانی آن را کشف نمایند . باید گفت که برای شرح وبیان واقعی نکته های نغز مثنوی باید مولوی بود ، باید روح بزرگ مولوی را داشت، تا مثنوی را کما حقه شناخت ، به همین ترتیب در مورد شناخت حکایات وقصه های شهنامه فردوسی ، باید تاریخ اساطیری مشرق وآریانای کهن را خوب درک کرد ، در حقیقت شناخت شهنامه خود نه تنها بحث تاریخی می باشد ، بلکه شناخت اساطیری وپیکارهای حق جویانه این سرزمین در برابر غارت ، چپاول واستبداد به تصویر کشده شده است . به همین ترتیب سایر حکایات ، پند ها ، قصه های تاریخی واساطیری در دیوان واقوال بزرگان شعر وادب کشور ما ،نمایانگر پندهای بلند انسانی وبشری است که هریک می تواند در زندگی شخصی واجتماعی انسان تاثیر گذار باشد.

در دیوان کبیر شمس به دیوژن کلبی که مسلمانان آن را دیوژانس کلبی می گویند، چنین آمده است :

ی شیخ با چراغ همی گشت گردشهر
ز دیو ودد ملولم انسانم آرزو است
فتند یافت می نشود گشته ایم ما
فت آنچه یافت می نشود آنم آرزوست

حکمای کلبی ، بدون آلایش زندگی می کردند ، از مال دنیا چیزی در بساط نداشتند وبه ابزار دنیا بی اعتبا بودند ، تا حدیکه به خانه وکاشانه که از نیازهای اساسی هر شخص می باشد ، توجه نمی کردند . مولا نا داستان این حکیم را چنین اغاز می کند. روزی دیوژن کلبی در روز چراغ بدست گرفته ورا ه می رفت . مردم گفتند: چرا در روز چراغ بدست گرفته یی ؟ گفت: دنبال یکچیزی می گردم. گفتند: دنبال چه می گردی ؟ گفت: دنبال آدم . وقت اسکندر مناطق زیادی از سرزمین ایران وخراسان را فتح کرد . همه اشراف وسران قبیله در مقابل وی کرنش وتواضع نشان دادند ؛ اما از دیوژن خبری نبود واو اعتنا به اسکندر نکرد، تا اینکه اسکندر تصمیم گرفت ، تا به دیدار دیوژن برود. وقت اسکندر به نزدیک دیوژن رسید ، با وجود سروصدا وجلال حشم اسکندر، دیوژن به او التفات نکرد فقط با او یک نظاره کرد وبس . وقت اسکندر بالای سرش قرار گرفت، همانجا ایستاد وگفت: بلند شو ، اسکندر این سخنان را چند بار تکرار کرد واز دیوژن خبری نشنید. در آخر اسکندر از دیوژن خواست تا از او چیزی بخواهد ، دیوژن گفت: از تو فقط یک چیز می خواهم . اسکندر گفت چه می خواهی؟ دیوژن گفت: این را می خواهم تا سایه ات را از سرم کم کنی ، من اینجا آفتاب گرفته بودم ، توآمدی سایه انداختی وجلو آفتاب راگرفتی . اسکندر دراین سخنان دیوژن فرو رفت و درمقابل روح بزرگ این حکیم خرد شده بود. اسکندر درخصوص این دیدار با دیوژن سخنانی گفته است که در تاریخ جاویدان می باشد . سخنان او چنین است: (اگر اسکندر نبودم ، دوست داشتم دیوژن باشم) از این سخنان یک نوع غنا وبلند نظری حکیم به نظر می رسد . نه تنها بزرگان فکر واندیشه وصوفیان بزرگ با چنین زندگی فقیرانه عادت کرده بودند؛ بلکه شیوه زندگی پیامبر اسلام (ص) بر چنین سادگی استوار می باشد. طوریکه پیامبر ما همواره در سادگی وبدون تکلف زندگی می کردند، قبل از همه به طرف مقابل سلام می دادند ، او دیگران را اجازه نمی داد ، تا پشت سراو حرکت کنند، بلکه می خواست بدون سروصدا وتشریفات امروزی زندگی کند . وقت پیامبر اسلام مجلس می آراست ، چنین می گفت: به شکل حلقه بنشینیم که مجلس بالا وپایین نداشته باشد . اگر من در صدر بنیشنم وشما در اطراف در این صورت شما جزء جلال ودبدبه من می شوید ومن چنین چیزی را نمی خواهم . بساری از حکیمان دنیا پند های بسیار سودمند را ، حتا به زبان حیوانات بیان کرده اند وهمه می دانند که این حکایات واقعیت ندارد : بلکه عبرتی است که انسان ها باید از آنها سود ببرند ، مثل داستان های کلیله ودمنه ، وقت در کلیله می خوانیم که خرگوش با این همه کوچکی اش ، شیر را با آن بزرگی وجسامتی که دارد ، در چاه هلاکت می اندازد، که نتیجه هوش وفراست حیوان را نشان می دهد . متون دینی وادبیات ما مملو ومشحون از چنین تمثیلات زیبا می باشد . در تمثیل مهم نیست که نویسنده آن ، آن را تجربه کرده است یانه ، یک چنین تمثیل ها در داستان های سعدی در گلستان وبوستان وجود دارد وهیچ معلوم نیست که در آن ارزش تاریخی وجود داشته باشد طوریکه می بینیم در این داستان ها ، داستان خودش را نقص می کند، طوریکه می گوید: در هندوستان بودم به سومنات رفتم ، در آنجا مردم زند وپازند می خواندند ، بعد بت ها را شکستم ، چنین کردم ، چنان کردم . در اصل معلوم نیست که سعدی به عمرش به آنجا رفته باشد ویا می گوید: در کاشغر بودم ، بچه یی را دیدم که کتاب نحورا می خواند، من به او چنین گفتم واوبه من چنین جواب داد . در این سخنان سعدی جز پند واندرز چیزی دیگری وجود ندارد . داستان مشهور مولانا که در خانه تاریکی ، هندوان فیل را پنهان کرده بودند ، برای تماشای آن فیل تعدادی بسیاری از مردم به خانه تاریک رفتند، از آنجا که در آن تاریکی دیدن فیل ممکن نبود ، هرکسی به بدن فیل دست می مالید ، تا شکل فیل را تجسم کند . کسی دست به خرطوم فیل کشیده بود گفت: فیل شبیه به ناودان است، آنکه به گوش فیل دست کشیده ، گفت: فیل مانند باد زن است . آن کس که دست به پای فیل زده بود گفت: فیل مانند یک ستون است ودر فرجام آنکس که دست به پشت فیل کشیده بود گفت: فیل شبیه تخت است . هرکس نظربه زاویه دید خود به شکل فیل قضاوت می کرد ودر چگونگی شکل فیل دچار اختلاف شدند. این حکایت وسایر حکایت ها در مثنوی ، در واقع پرسشی است که همواره ذهن انسان را بخود مشغول داشته است که آن در ک وشناخت انسان ، از طبیعت ورموز آن است .مولانا در این حکایت از یک نوع برداشت های ذهنی خبر می دهد که فهم آن موجب اختلاف گردیده است . خانه تاریک کنایه از دنیا ، فیل کنایه از حقیقت واحد ،مردم که دست به بدن فیل می کشیدند کنایه است از انسان های حقیقت جو ، شمع کنایه از هادیان طریقت است که در این حکایت وجود دارد . انسان ها درخانه تاریک؛ یعنی دنیا گرفتار آمده اند وهمواره درزنجیره اختلاف پیرامون رسیدن به حقیقت به سر می برند . گروهی می خواهند به وسیل عقل ، روش وتجربه خود ، راه به سوی روشنی در این دنیا باز کند اما وقت این تلاش ها به ثمر می نشنیند که عقل وعلم را ایمان ورهنمود های قرآن کریم رهبری نماید . در نتیجه این رهنمایی ها آنان این ظلمت را به روشنی تکمیل می نمایند . یک چنین داستانها سراسر دیوان کلاسیک شاعران فارسی دری را ، احتواء نموده است . که بر غنامندی این ادبیات می افزاید.

راه نیستان کجاست؟

استاد خلیلی

ناله به دل شد گره . راهِ نیستان کجاست ؟
خانه قفس شد بمن، طرفِ بیابان کجاست ؟

اشک به خونم کشید . آه بیادم سپرد
عقل به بندم فگند، رخنهٔ زندان کجاست؟

گفت پناهت دهد . در رهٔ آن خاک شو
آنکه شدم در رهش خاک بگو آنکجاست ؟

روز به محنت گذشت . شام به غم شد سحر
ساقی گلچهره کو ، نعرهٔ مستان کجاست ؟

درتفِ این بادیه ، سوخت سراپا تنم
مزرعم آتش گرف . نم نم باران کجاست ؟

موج نلرزد به آب . غنچه نه خندد به باغ
برگ نه جنبد بشاخ . باد بهاران کجاست ؟

خوب و بد زندگی ، بر سرهم ریختند
تا کند از هم جدا . بازوی دهقان کجاست ؟

برقِ نگه خیره شد . شوق ز دل رخت بست
خا نه پر از دود شد، مشعل رخشان کجاست

ناله شدم غم شدم ، من همه ماتم شدم
آ ندل خرم چه شد آ ن لب خندان کجاست

ا بر سیه شد پدید . باز به چرخ سخن
اختر برج ادب ، مرد سخندان کجاست ؟

هم نظر بوعلی ، هم قدم بوالعلا
هم نفس رودکی ، هم دم سلمان کجاست ؟

مرد نمیرد به مرگ ، مرگ ازو نامجوست

د ترهګرۍ په هکله

د مایک مولن وروستۍ څرګندونې



ن شفیق

پداسي حال کې چې زمونږ په هیواد کې دبهرنیو ځواکونو په شتون باندې ددولت مخالفو طالبانو بریدونه له یوې ورځې څخه بلې ته زیاتیږي او پدې وروستۍ میاشت کې دامریکایي پوځونو تلفات هغه ګراف ته رسیدلي دي چې دنړدې نهو کلونو په دوران کې دا تر ټولو غټه شمیره ده او تیره اونۍ خو د لوګر په ولایت کې دوه امریکایي پوځیان دطالبانو لخوا ژوندي هم ونیول شو چې امریکایان ددې کار سره ډیر پریشانه شوي دي

ددې سره سم تیرې یکشنبې په ورځ د زمري دمیاشتې په دوهمه نیټه د امریکا دپوځ لوړ رتبه قوماندان امیرالبحر مایک مولن ګاونډي هیواد پاکستان ته دخپل سفر په مهال ددغه هیواد له ګڼو چارواکو سره دلیدني پر مهال پدغه هیواد کې دلشکر طیبه په فعالیتونو اندیښنه څرګنده کړې ده او دخپلو څرګندونو پر مهال یې زیاته کړیده چې اسامه بن لادن په پاکستان کې په پوداسې ځای کې پټ دی چې موندل یې خوراګران کار دی.

نوموړي دخپلو څرګندونو پر مهال دا هم وئیلی دي چې دپاکستان سرحدي لوديځي قبایلی سیمې دالقاعده سازمان لپاره خوندي او مهم ځایونه دي اوله دغه ځایه په ټوله نړۍ کې دبریدونو پلانونه طرح کوي. همدارنګه دمولانا جلال الدین حقاني ډله یې هم یوه ډیره اغیزمنه ډله ګڼلې چې دده په وینا په افغانستان کې ډیری بریدونه دغه ډله تر سره کوي او بیا یې زیاته کړې چې ددې ټولو پر خلاف ګډو هڅوا وهمغږۍ ته اړتیا ده.

د مولن په څرګندونو کې یوه خبره داهم راغلې چې پاکستان ته ددوې پوځیان په پټه ندي ورغلي بلکې دغه پوځیان د روزنې په موخه د پاکستان هیواد په غوښتنه ورغلي دي څو د دولت مخالفو اوربکو او طالبانو پر خلاف د پاکستاني پوځ ظرفیتونه لوړ اومهارتونه زیات کړي.

د مولن دغه څرګندوني چې په حقیقت کې دامریکایي اوناټو پوځونو پر خلاف د مخالفینو د عملیاتو د پراخوالي او اغیزمنوالي لامله تر سره شوي هغه حقیقتونه دي چې دافغانستان حکومت وخت پر وخت بیان کړي دي خودهغه چاخبره ټاکو هغه وخت خوله ولګوله چې دکلي دملا غوا ته هم ورسیده. داکومې نوې خبرې ندي خویوه خبره چې دلته پرې مکث پکاره دي ؛ هغه داده چې دکوم هیواد دولت چې دخپلو طالب مخالفینو د ټکولو لپاره امریکایي پوځیان غواړي دهغه هیواد دیني حلقې څنګه په افغانستان کې موجوده نظام بې دینه او خپل دسیاسي نظام بې دینه نه ګڼي او بیادخپل ولس په اذهانو کې داږدي چې ګویا دامریکایي پوځیانو دغه هیواد ته ورتګ څخه دوې ناخبره دي پداسي حال کې چې په خپله یې غوښتنه کوې

همدارنګه د روان عیسوي کال دجولایي دمیاشتې په دریمه نیټه دپاکستان دمسلم لیك (ن) ګروپ مشرنواز شریف په لاهورکې په یوه خبري غونډه کې ویلي وو چې ترهګري دپاکستان له بهرنې پالیسۍ او ملي سیاست سره نیغ په نیغه اړیکه لري او دا تګلاري په اسلام آباد کې جوړیږي او یا داچې رحمان ملك ددغه هیواد دکورنیو چارو وزیر وایې چې ناټو او افغان دولت د ترهګرومخه نشي ډب کولای او ورڅخه د ده په وینا پاکستان ته وراوړي چې تیره اونۍ په مومندو کې تر سره شوې پېښه یې په دلیل کې وړاندې کړیوه. هغه متل دی چې شیشکه هم لاس لګوي او هم کوکاري وهي ، او یاد چاخبره چې مونږ پورغواړودی نور غواړي.

مونږ ته چې زمونږ په هیواد کې د ناامنۍ دغه ناسور راپیښ ده داخو یوازې دامریکایانو نه. بلکې دپاکستان لخوا هم راپیښ دی. چې ورانه خوله خانه ده.

پکار ده چې د پاکستان حکومت او سیاستوال یې دسیمې د ډامن امنیت لپاره په ګډه هغه پالیسۍ وکاروي چې دخپلمنځی بې باورۍ پرځای خپلمنځي باور را پیداکړي او یودبل لپاره کوهی ونه وباسي نوله هغه تو ندۍ سیلۍ او طوفان څخه په آمان شي چې چارواکي یې خوندي وي او ولسونه یې پکي سوځیږي.

او هم امریکا او نړیواله ټولنه باید په روانه جګړه فکروکړي چې پدې جګړه کې سوځیدونکی څوك زیات دي ؟ او آیا کومه موخه یې لاس ته راوړې ده او که نه ؟ دا چې په سیمه کې دناټواوامریکایي پوځونو پر خلاف بغاوت او مخالفت له یوې ورځې څخه بلې ته زیاتیږي ، د سوچ وړخبره ده باید ناټواو امریکا یې پوځونه خپل ټول امکانات پدې ولګوي چې څنګه ژر کولاې شي دافغانستان ملي اردو او امینتي ځواکونه دکم او کفیت له مخې پیاوړي کړي څوپه سیمه کې دقوت دتوازن له لیارې ډامن امنیت را مینځته شي او پاکستان له خپلو خپلسریو څخه لاس واخلي.

ضرورت جامعه

به خود آگاهی فرهنگی

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

فرهنگ به مثابه حوزه یی از واقعیت زندگی ماست ، که در آن افراد مهارت های خود را اعمال می نمایند و اندیشه ها به عمل تبد یل می گردد. به قول ماکس وبر ایجاد شغل در رسانه های همه گانی ، موزیم ها ، گالری ها ، تبلیغات بازرگانی ، تلاش در جهت به دست آوردن جوائزی ادبی وعلمی ، در زمینه های موسیقی ، سینما ، تمثیل و... اینها وسایر فعالیت های حرفه یی وشغلی ، روابط اجتماعی را به گونه بنیادی دگرگون می سازد. وقتی چنین تصور گردد که جامعه صنعتی وفناوری جدید ، فراغت وبی کاری بی حد وحصری را فراهم خواهد آورد ؛ در حالیکه دگرگونی های اقتصادی وتکنالوژی پیشرفته جامعه را به سوی اشتغال جدید فرا می خواند . سرمایه شخصی: به ویژه فرهنگی فرصت های جدید وامکانات کار مستقل را به وجود می آورد . باید گفت که سرمایه های فرهنگی مانند همه جنبه های فرهنگ ، به گروه های رسمی نیز تعلق دارد . مسائل بزرگ سیاسی وفرهنگی زمان ما ، بستگی به این دارد که فرصت های آموزشی فردی ودر نتیجه فرصت های کاری یک جامعه تا چه حد مستلزم مدیریت دولتی کارا وفرهنگ جمعی جامعه می باشد . امروز سیاست آموزش وپرورش در اختیار دولت قرار دارد ، هر قدر در میان دانشگاها ونهاد های تعلیمی ومکاتب حرفه یی زمینه های رقابت آزاد وجود داشته باشد ودولت بتواند در قبال این امر بزرگ یک پالیسی ملی وپویا را در جهت توسعه فرهنگی به وجود آورد ، به همان پیمانه زمینه اشتغال برای افراد نخبه میسر خواهد شد. در پایان قرن بیستم بحث از فرهنگ مستقل به میان آمد ، شکست مارکسست ها وشکست جبر گرایی این اندیشه ، به فرهنگ موقعت خاص بخشید . در قرن بیستم وبعد از آن مشخص گردید که کار کردهای فنی والگوهای فرهنگی از مرزها مگذرند وبه جوامع گوناگون ، صرف نظراز ترکیب آن ها حمله می کنند .

تکنالوژی اطلاعات امروز بر اذهان بسیاری از مردم سایه افگنداست . فرهنگ شیوه های عمل ، اندیشه واحساس که می تواند آن را فرا گرفت . هنگامیکه در کنار فرهنگ ، دولت؛ یعنی نهادهای که مصلحت عمومی را به اجرا در می آورد . سرزمین ؛ یعنی منطقه یی زمینی ، دریایی وهوایی ، ملت ؛ یعنی مجموعه افرادی که ملیت مشترک داشته باشند ، قرار می گرند وجامعه در موجودیت این عناصر قوام وشکل می گیرد . وقتی سرزمین هاو کشورهای: ایران ، افغانستان ، کانادا وغیره می گوییم ، در حقیقت ارتباطات نزدیک سرزمین ، دولت ، فرهنگ ،ملت با هم پیوند دارند . به همین منظور گفته اند که دولت های ملی تنها شکل خاصی از جامعه هستند . امروز جامعه شناسان به این نتیجه رسیده اند که یک سلسله واقعیت های پیچیده یی در میان جوامع وجود دارد ص۶

حکم کاندیدا شدن در روزگار حاضر

دیدگاه اسلام نسبت به حقوق سیاسی انسان

سید ناصر تقدسی

پیوسته به گذشته:

آن گونه که در مبحث پیشتر یادآور شدیم، قاعدهٔ عمومی اقتضا می کند که مسلمان نباید خویشتن خود را برای احراز چوکی و قدرت نامزد نماید، اما اگر ضرورت زمان و مصلحت شریعت اسلامی تقاضا کند، نامزد کردن خویشتن نه تنها عیبی در پی ندارد که از نیازهای اساسی اجتماعی نیز به شمار می رود. بدون شک در حال حاضر که شرایط از روزگاران گذشته کاملاً متفاوت است، به دلیل پیچیدگی و گستردگی امور، از یک سو دسترسی مسلمانان برای تشخیص و انتخاب انسان های شایسته و با کفایت، خیلی بعید و دشوار به نظر می خورد و از سوی دیگر، تصدی کرسی های مهم در نظام حکومت و قوهٔ تقنینیه، توسط انسان های با درایت و کاردان، از اهمیتی ویژه برخوردار بوده و زمینه های مشارکت مردم در ادارهٔ امور دولت را مطابق اساسات شرعی فراهم می آورد، بنا بر این داوطلب شدن انسان مسلمان، برای نامزدی در انتخابات تردید آفرین نیست و از قبیل محصولات زمین مقرر کن، چرا که من بسیار حافظ و نگهدار (خزائن و مستغلاّت، و) بس آگاه (از مسائل اقتصادی و کشاورزی) می‌باشم".

بدون تردید حضرت یوسف علیه السلام، چوکی و منصب را برای هوسرانی و رسیدن به مطامع مادی مطالبه نکرده بود بلکه او می خواست از این طریق، اهداف و مقاصد متعالی دیگری را که همانا رضای خدا و خدمت گزاری به خلق او بود، متحقق سازد.

بنا بر آن، اسلام حق انسان را در خصوص کاندیدا کردن خویشتن خود، برای احراز هر پستی که شایستگی و صلاحیت آن را داشته باشد، به رسمیت می شناسد؛ چنانچه حق وی را در خصوص نامزد نمودن فرد دیگری که توانا و واجد شرایط بوده باشد نیز محفوظ داشته و هدایت فرموده است که اگر یک مسلمان فردی را تسخیص می نماید که او از کفایت لازم برای احراز منصبی در حکومت و یا پارلمان بهره مند است، بایستی او را به منظور به شرح دیدگاه ها، هنجارهای عملیاتی و برنامه هایی بپردازند که قرار است در صورت کسب اعتماد رأی دهندگان، به آنها جنبهٔ عملی بخشند؛ نامزدها نباید خارج از ساحهٔ صلاحیت خویش، به هدف اغوای رأی دهندگان مسایلی را مطرح کنند که امکان تطبیق آن میسر نیست و مردم را دچار سرخوردگی و بی اعتمادی می نماید.

جای تأسف است که امروزه، تلقی شماری از کاندیدا ها از کمپاین انتخاباتی، این است که باید برای موفقیت خود، به بدگویی، دشنام دهی و اتهام زدن به رقیبان سیاسی شان بپردازند! بدون شک توسل به چنین رویکردهایی نه تنها در عرف سیاست اخلاق محور، مردود است بلکه از نگاه آموزه های اسلامی، گناهی بزرگ و نابخشودنی پنداشته می شود و عاملان آن مستوجب عذاب اخروی شناخته می شوند. زیرا بدگویی و کمزنی یک انسان برای انسانی دیگر از دو حالت خالی نیست: یا همان عیب ها و کاستی ها در وجود او هست و یا هم نیست.

دلالت بر کار خیر محسوب می شود و مزید بر آن، این امکان را نیز فراهم می سازد که مردم، برای شناسایی و انتخاب اصلح، فرصت بیابند و مقصد مهم عدالت و شایسته سالاری در جامعه را تحقق بخشند.

برای این که دیدگاه بالا مورد تأیید قرار گرفته باشد، در اینجا یکی از ارشادات الهی را تذکر می دهیم که از زبان یوسف علیه السلام، حکایت شده است: (قَالَ اجْعَلْنِی عَلَی خَزَآئِنِ الأَرْضِ إِنِّی حَفِیظٌ عَلِیمٌ). سورهٔ یوسف آیهٔ ۵۵.

"یوسف گفت: مرا سرپرست اموال و تصدی آن منصب، نامزد و حمایت کند، زیرا در فرهنگ دینی ما کسی که بر کار خیر دلالت می کند، مانند آن است که خود آن کار را انجام داده باشد!

کمپاین انتخاباتی چگونه باید انجام شود؟

کاندیداهای انتخابات، از دیدگاه شرعی به هیچ صورت حق ندارند در جریان تبلیغات انتخاباتی، به مدح و ستایش شخصیت خود و جرح رقبای انتخاباتی شان بپردازند؛ آنها می توانند به گونهٔ مساوی، خود را آن گونه که هستند و به دور از افراط و مبالغه، برای مردم معرفی نموده و

اگر کاستی ها و عیوب نسبت داده شده برای طرف مقابل، در شخصیتش واقعاً وجود داشته باشد، در این حالت در غیاب وی بازگفتن آن عیوب و کمی ها، غیبت به شمار می رود؛ چیزی که در فرهنگ دینی گناه کبیره دانسته شده و به خوردن گوشت برادر تشبیه گردیده است. و اما اگر آن کمی ها و عیب ها در شخصیت وی وجود نداشته باشد، در این صورت تهمت محسوب می شود و تهمت نا حق نیز در اندیشهٔ اسلامی ما از گناهان بزرگ پنداشته شده است.

ادامه دارد.

ضرورت جامعه به خودآگاهی ...

که در آن دولت ، فرهنگ ، سرزمین یاملت به شیوه های نا منظم وگوناگون که مرزهای دقیق وهماهنگ ندارند . به هرصورت امروز در میان طبقات مختلف جامعه ، مانند سرمایه داران وکارگران یک نوع وحدت ارگانیک وجود دارد ، به سخن دیگر یک سلسله روابط به شیوه های گوناگون افراد را درهر کجای که هستند متحد می سازد . این پیام چهره سرشناس فلسطین ، ادوارد سعید است که شرق همان ساخت کهن غرب را دارد که سعی می کند سراسر جهان را کنترول نماید . وجود شرق وغرب مستلزم یکدیگراست و این دو نمی تواند جدا از یکدیگر وجود داشته باشد . ضربه های متعدد در اواخر قرن بیستم ، از جمله فاجعه هسته یی ، پس از انفجار بمب اتومی در هیروشیما(۱۹۴۵ م) ، فروپاشی امپراتوری شوروی ونیز بروز خطر گرم شدن کره زمین ، جنگ های منطقه یی ،وجود دهشت افگنی ، تغییر طبیعت ، شیوع امراض غیر قابل علاج مانند ایدز و.... سرنوشت جمعی را در رابطه به جهان به وجود آورده است. آگاهی فرهنگی جهان سبب شده است که در این تضادهای ساختاری در جامعه علاقه برای ایجاد روابط جمعی با محیط اولویت یابد . وقتی همه انسان هارا متعلق به جامعه بزرگ بدانیم هیچ بیگانه یی در جهان وجود نخواهد داشت. باافزایش جمعیت جهان که اکنون حدود شش ملیارد انسان را شامل می شود کره زمین که از آفرینش انسان تا کنون چنین وسعت نیافته است نیاز به بازسازی فرهنگی ، آشتی پذیری وصلح جهانی دارد .آگاهی از خطر های جهانی که بشر را تهدید میکند ، باید مشوق فرد برای تلاش های جدید در جهت همکاری جهانی گردد. جامعه انسانی هم در برابر دگرگونی فرهنگی مقاومت می کند وهم تسلیم آن می شود . هم گرفتار آرمان گرایی است وهم بیم های ویرانگر وفاجعه آمیز. امروز توسعه فرهنگی . حفظ شبکه های بسیار پیچیده تر روابط اجتماعی را امکان پذیر ساخته است، خودآگاهی جمعی یکی از ویژگی های فرهنگ است وبه ما امکان میدهد تا خود آگاهی جمعی خودرا ، که یکی از ویژگی های فرهنگ می باشد گسترش بخشیم وشیوه های عمل ، اندیشه واحساس را از یک نسل به نسل دیگر وازجامعه یی به جامعه یی دیگر از راه یادگیری انتقال دهیم . فرهنگ شامل زبان وتکنالوژی است که هردو متضمن انتقال اندیشه ها وروابط اجتماعی می باشد . بعد ازدهه اخیر قرن بیستم عصر جهانی شدن در عرصه های مختلف اقتصادی وفرهنگی آغاز گردیده است ، ارزش های جهانی در حال تقویت شدن می باشد . ارزش های ؛ چون : زندگی بدون هراس افگنی وجنگ ، انتقال تکنالوژی صلح آمیز، مهار ساختن طبیعت . بلند بردن ارزشهای اخلاقی و... مردم جهان را به سوی خود نزدیک ساخته است . نمی شود دنیارا با بال مادی رهبری کرد ؛بلکه در پهلوی این بال مادی ، بال معنوی حرکت جهانی شدن را سرعت می بخشد در غیر آن یک جامعه خشک وفاقد ارزش های اخلاقی ومدنی با این همه مشکلات عدیده پیروز نخواهد شد.

در آزمون زندگی

نوشته: دکتورعائض القرنی، دعوتگراسلامی
برگردان: عبدالحفیظ همام

زندگی را درین سراپرده، معنی است بس ارزنده وهدفی است بس والا، که همه ای معانی وحقایق سترگ آن همانا دردرک مسؤلیت، رسالت انسانی واداى وجیبه نهفته است .هرمنظوری غیرازان، انگار سیردرگذرگاه گسیختگی وفرورفتن درلجن های پستی وباتلاق های فرومایگی خواهد بود.

آری، زندگانی در راه خدا آبادی، گشایش و کسب پیروزی است. ای بسا، دنیای عاری ازبدسگالان وشرر پیشگان زیبا وبالنده می نماید! اما کاستی و نیستی تقدیرناگزیراین گیتی وجبرمسلم روزگارآدمی است. می توان درین هستی به آسانی زیست؛ اما آنگونه باید زیستن دشوارخواهد بود!

زندگانی به مثابهٔ یک کتاب است، کتابی که فهم ودرایتش نوید بخش سعادت و پیام آور رستگاری انسان می شود. ای بسا، کم خردان و کودن صفتان هیچ گاهی آن کتاب را ورق نمی زنند و صفحات آن را به خوانش نمی گیرند! آری زندگی حیثیت حجره های بدن را دارد که سلول های زنده را به خود جذب وسلول های مرده را ازخود میراند.

زندگی صحنهٔ کاروتلاش و میدان مبارزه و پایداری است؛ از داشته ها وخوان کرمش تنها دلیرمردان وافراد غیور سود و بهره می برند؛ اما بزدلان و جبون صفتان جز محرومیت و بی بهرگی سهم و نصیبی ازان نخواهند داشت.

زندگی فرصتی است نایاب و تکرارناشدنی. درین گیرودار، پیروزی را تنها کار و تلاش و گرامی داشتن نعمت بزرگ "فرصت" عهده دارمی گردد. هرگاه فرصت دست داده، پاسداری نشود و بیباکانه و با بی مبالاتی از دست رود، فرجامش همانا مرگ تأسفبار و پشیمانی حسرتناکی خواهد بود!.

بدانکه سرنوشت آدمی، جز دربند و تصرف آفریدگار یگانه، درحیطه و حصارکسی دیگری نیست، وهیچ نیرویی ترا از رسیدن به شکوه و قله های بلند آرزوهایت باز نخواهد داشت. پس چنان است که با ارادهٔ متین وعزم آهنین به صوب جلو گام برداری و روزنه هایی را فرارویت بگشایی، وهشدار که هرگز قدمی به قهقرا نگذاری، که آنگاه آه ندامت و نالهٔ پشیمانی سودی نخواهد بخشید! بدانکه درین گیتی هیچ یک پیروزی را به تو رایگان اهداء نخواهد کرد. چه بسا آدم ها – طبیعتا– همه ترسو، کم مایه و تنگدل اند. پس بایست با توکل به خدا، برخویشتن اعتماد کرد و به پیش گام برداشت. اگر قرار باشد که درآزمون زندگی ناکام بمانی، هرچند فرشتگان هم به شفاعتت بیایند کسی ترا نخواهد پذیرفت، اما درین آزمونگه اگرموفق وسرافراز بدرآمدی، همگنان و بزرگان نیزبرایت ادای احترام وانحنای سلام و سرتعظیم بجا می آورند.

بدانکه زندگی تنها سفره وجام، تخت وبخت وجامهٔ ابریشمین نیست؛ اگر چنان بودی بایستی سعادتمندترین موجودات این جهان، کسانی خواهند بود که در قصر های مرمری زندگی می کنند منظورازحیات آدمی، حیات آگنده ازعقل مدبر، دست توانا، قلم نویسا، دانش مدون، کسب ستایش دیگران و به دست آوری تحسین و شاباش عطرآگین مردمان است. تابلویی که بران "نزدیک شدن ممنوع !" حک شده، افراد ترسو و تنبل به آن توجه می کنند، وآنگاه با دلهرگی ازان کناره می روند؛ اما هوشیاران و دلیرمردان چنین تابلویی را ازفراروی شان برمی دارند و به پیش می تازند.

ص ۸



مخترع جعبهٔ سیاه درگذشت

معلومات در بارهٔ جعبهٔ سیاه

* مصباح شعیب *

دیوید وارن دانشمند استرالیایی مخترع جعبه سیاه هواپیما در سن ۸۵ سالگی درگذشت. وارن در سال ۱۹۵۶ ، نمونه اولیه جعبه سیاه را طراحی و تولید کرد با این حال چند سال طول کشید تا مسئولان هوانوردی متوجه شدند این وسیله تاچه اندازه می تواند مفید باشد و نصب آن را در هواپیماهای سراسر جهان آغاز کردند.

وزارت دفاع استرالیا اعلام کرد : دیوید وارن در پی تحقیقات بی نتیجه درباره علت سانحه سقوط نخستین هواپیمای تجاری در سال ۱۹۵۳ میلادی ، ایدهٔ دستگاه ضبط صدای کابین پیلوت را مطرح کرده بود. دکتر وارن با اختراع جعبه سیاه به امنیت صنعت هوانوردی جهان کمک فراوانی کرده است.

وارن معتقد بود که این اقدام برای ماموران بررسی علل سقوط هواپیما می تواند کمک کننده باشد.

وارن متولد سال ۱۹۲۵ میلادی در یکی از بخش های دور افتاده شمال شرق استرالیاست. وی سال های ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۳ مدیر بخش تحقیقات علمی در سازمان تحقیقات هوایی سازمان علوم و فناوری دفاعی استرالیا بوده است.

اینک به بهانهٔ درگذشت مخترع جعبهٔ سیاه، معلوماتی در بارهٔ این جعبه به خوانندگان محترم پیشکش می شود.

جعبهٔ سیاه شاهد خاموش و مدرک معتبر رویدادهای هوائی است. وقتی تمامی کارکنان یک پرواز، بر اثر سانحه هوائی جان باخته باشند، دیگر کسی وجود نداشته باشد تا علت حادثه را روشن کند. اینجا است که کارشناسان به جعبه سیاه پناه می آورند تا با کشف سرنخ هایی، علت وقوع سانحه را مشخص کنند.

این جعبه برخلاف اسمی که دارد، رنگش نارنجی روشن یا زرد است. روی برخی از آن ها نوارهای شبرنگ نصب شده است تا امکان دیدن جعبه برای جستجوگران بیشتر شود.

به گفتهٔ یکی از متخصصان جعبه سیاه، رنگ نارنجی بهترین رنگ برای شناسائی است و خیلی زود به چشم می آید.

اگر شما چند چیز به رنگ های مختلف را در داخل آب دریا بیندازید، آن که رنگش نارنجی است زودتر پیدا می شود.

نخستین جعبه سیاه، در اواخر دهه ۱۹۴۰ ساخته شد.

تا قبل از سال ۱۹۴۷ استفاده از این جعبه در هواپیماها اختیاری بود ولی پس از آن، همه هواپیماها مکلف به این شدند که باید به جعبه سیاه مجهز شوند.

در نخستین سال های استفاده از جعبهٔ سیاه به دلیل وجود اشکالاتی در سیستم های آن، ناچار شدند استفاده اجباری از این وسیله را لغو کنند. ولی به تدریج پیشرفت هایی علمی و تکنیکی در زمینهٔ ساخت وسایل و ابزار از یک طرف و پیشرفت صنایع هواپیمائی از طرف دیگر، باعث شد تا بسیاری از کمبودها و مشکلات برطرف شود.

تقریباً در دههٔ ۱۹۶۰، سازمان هواپیمایی در دنیا به اهمیت و ارزش این جعبه پی بردند و دوباره استفاده از آن را اجباری کردند.

هر هواپیما به طور معمول دارای دو جعبه سیاه است که هرکدام اطلاعات جداگانه یی را مربوط به پرواز داخل خود ثبت و ضبط می کنند.

یک جعبه مخصوص ضبط اطلاعات پروازی مانند سرعت، شتاب، ارتفاع، جهت حرکت، دور موتورها و چیزهای دیگر است که آن را FDR می نامند.

دستگاه دوم وسیله یی است که تمام مکالمه های داخل کابین پیلوت را ضبط می کند.

این دستگاه CVR ۲ نام دارد. تمام هواپیما مجهز به این دو دستگاه هستند و از همان لحظه که پیلوت هواپیمای خود را روشن می کند، این دو دستگاه نیز کار خود را شروع می کنند و تا هنگام خاموش شدن موتورها در فرودگاه، این جعبه ها به ثبت اطلاعات پروازی می پردازند.

خواندن اطلاعاتی که داخل این دستگاه ها ثبت و ضبط می شود کار هر کسی نیست و افراد متخصصی باید این اطلاعات را تجزیه و تحلیل کنند و سپس نتیجه گیری کنند.

دستگاه CVR که می تواند تمام صداهای داخل کابین خلبان را ضبط کند. نصب این دستگاه در داخل هواپیماها برای بررسی علل یک سانحه، بسیار مهم و ارزشمند است.

زیرا هنگامی که خلبان و سایر کارکنان پرواز در حادثه کشته شده باشند، دیگر نمی توان به اطلاعات آن ها دسترسی پیدا کرد. اینجاست که باید سراغ CVR رفت تا بتوان بسیاری از ناگفته ها را شنید. در تمام مدت پرواز این دستگاه مکالمه خلبان با کمک خلبان، خدمه پروازی، برج مراقبت و خلبان هواپیماهای دیگر را ضبط می کند حتی اگر خلبان کلیدهای داخل کابین خود را خاموش یا روشن کند، صدای آن در این جعبه ثبت و ضبط می شود.

این دستگاه انواع مختلفی دارد و روز به روز پیشرفته تر می شود اما به طور معمول، این قسمت از جعبه سیاه قادر است حدود یک ساعت از آخرین مکالمات را درون خود حفظ کند.

برای مثال، اگر یک پرواز ۵ ساعت طول بکشد، پس از گذشت اولین ساعت پرواز، اطلاعات ابتدایی نوار پاک می شود و اطلاعات جدی روی آن ضبط می شود تا همیشه مکالمات و اطلاعات مربوط به یک ساعت آخر هر پرواز در اختیار کارشناسان باشد. برخی از جعبه های سیاه می توانند حدود ۳ ساعت از آخرین اطلاعات یک پرواز را ضبط کنند.

یک نوع از این دستگاه دارای سیستم دیجیتالی است که از نظر کیفیت و از نظر کمیت بر سایر دستگاه هایی که تا به حال توضیح دادیم برتری دارد.

ساختمان جعبه های سیاه اغلب به شکل های کروی یا مکعب و مستطیل هستند و برای آن که اطلاعات ذخیره شده در آن ها به آسانی صدمه نبیند، باید در برابر عواملی همچون رطوبت، حرارت، فشار، ضربه، موادشیمیائی و نظایر آن مقاوم باشد. برخی از این جعبه ها برحسب نوع جنس، می توانند برای مدت ۳۰ دقیقه در حرارتی معادل چند هزار درجه سانتی گراد مقاومت کنند.

پوشش روی این جعبه ها به گونه یی است که مانع از ورود آب یا هر چیز دیگری به داخل آن ها می شود.

درون هر جعبه سیاه نوعی دستگاه فرستنده یا باتری های مخصوص وجود دارد که پس از سقوط جعبه، شروع به کار می کند و امواج خاصی را ارسال می دارد.

گاهی ارسال این امواج تا مدت یک ماه هم می تواند ادامه داشته باشد تا متخصصان و کارشناسان بتوانند با وسایل مخصوص آن را ردیابی و کشف کنند.

این جعبه در قسمت انتهائی و پشت هواپیما، جائی که در سانحه ها صدمه کمتری می بیند و اغلب سالم تر باقی می ماند جابجا می شود. و بعد از هر سانحهٔ هوائی همه ذهن ها متوجه جعبه سیاه می شود.

د وروستي اعلان شوي لست څخه د نوماندانو...

وویستل شي او د هغه لخوا لګول شوي.

وختونه او مصارف دي ضانع شي

همدارنګه که چېرې دوسله والو ګروپونو سره تړاو لرل جرم وي او دیو چا د مدني حقوقو او نورو حقوقو مانع ګرځي نو د کورنیو چارو پخوانی وزیر د امریکا هېواد له مسولینو سره د اړیکو په نوم د وسله والو ګروپونو جوړولو پروګرام خوهم بیا یو غیر قانوني عمل وو، ولې ورته اجازه ورکول کېده او ددولت له چوکاټ څخه بېرون د داسې وسله والو ګروپونو جوړول مطرح کېدل چې ددولت له مخالفینو سره وجنګیږي یو غیرقانوني عمل وو.

دا صحیح ده چې په یو هیواد کې له دولت پرته وسله والو ګروپونو شتون د هیواد دځمکنۍ بشپړتیا ،سر تا سري امنیت او خپلواکۍ ته ګواښ وي او باید داسې ګروپونه له مینځه یوړل سي خود حکومت په وړاندې ګواښونه کم شي خو عجیبه داده چې هلته یې جوړل اړین دي او دلته یې په تورن کېدلو سره د ټاکنو له بهیر څخه د یو چا دویستلو د لیل او لامل ګرځي ، هغه د چا خبره یو بام او دوه هوا!

داخبره په خپل ځای صحیح ده چې باید ددولت سره موازي وسله وال ځواکونه او ګروپونه نه اوسي خو داحق د ټاکنو خپلواك کمیسون او دولت ته په مجموع کې هغه مهال حاصل وو چې وروستی لست یې لا اعلان کړی نه وو او نوماندانوخپل کمپاین پیل کړی نه وو. اوس چې د ټاکنو پروسه په نیمایي پړاوکې ده . دداسې اعلانونو څخه مقصد له دې پرته بل څه نه شی کېدای .یو چې یو شمیر هغه نوماندان چې حکومت یې مخنیوی کول غواړي په دې وېره کې په غورځوولو سره له خپل کمپاین څخه یې پرواو ګرځولی شي او ورته د شکونو په پیداکولو سره د پارلماني ټاکنو د ځنډیدو او وروسته کولو پلویتوب ته وهڅولی شي او پدې ترتیب سره هغوی پدې پروسه زړه نازړه توګه باوروکړي او په مقابل کې یې حکومت بلوي نوماندانوته لاره په یو غیر مستقیم توګه پرانستل شي. د ټاکنو خپلواك کمیسون او هم د شکایتونو کمېسون باید د خپل هر دریځ قانوني او حقوقي اړخ وڅېړي او بیا دې مواقف ونیسي .ځکه ددوې له بل هر څه څخه زیات رسالت دادی چې د ټاکنو شفافیت تضمین کړي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ پانزدهم ۹ اسد ۱۳۸۹ ۱۹ شعبان المعظم ۱۴۳۱ - 31 july 2010

د وروستي اعلان شوي لست څخه د نوماندانو د نومونو د حذفولو مقصد څه دی؟

رفيق بحر

د ټاکنود خپلواك كمېسون د مسولينو د وينا لـه مخې يودېرش نور نومونـه بـه هم د نوماندانو لـه لست څخه وويستل شي.

داخبر پـه داسې حال کې پـه رسنيو کې خپرېږي چې درسمي کمپاين پـه پيل کېدو بانـدې درې اونـۍ تېرې شـوي دي او وروستيی لست هم اعلان شوی دی.

لـه لست څخه د ويستل کېدونکو نوماندانو د علت پـه هکلـه ويـل شـوي دي چې دغـه افـراد د وسلـه والـو ګروپونوسره تـړاو لـري .اوهـم پـدې خبـره تاکيـد شوی دی چې ددغـو نوماندانو لـه ليست څخه حذفول ضروري او يقيني خبره ده .

اوس پوښتنه داده چې کـه چېرې دغـه کسان دوسلـه والـو کسانو او يـا ګروپونوسره د تـړاو پـه تـور لـه لست څخه د حذف کېدو وړ وي نـو بيـا د ټاکنو خپلواك كمېسيون تـر لوسـه ولې دغـه کسان لـه لست څخه وستلي نـه وو او اوس چې پـه رسمي کمپاين پيـل کېدو بانـدې دادی درې اونـۍ هـم تېـرې شـوي او

هر نوماند خپل انتخابي کمپاين هم پيل کړی چې هر يو يې د دخپل تـوان سره سم لګښتونه هم کړيدي نو څنګه بـه ممکنـه وي چې يـو څوك پـه لکونـو لږښت وکړي او بيـا دې وروستـه لـه لست څخه خذف شي؟ کـه چېرې دداسې کسانو نومونـه لـه ليست څخه خذفول ګټور او اړيـن وو نـو تـر اوسـه ولـې اړونـد کميسيون خپـل مسوليت نـدی ادا کـړی چې اوس يـې چيغې وهـي . ايـا د کمېسيون دغـه عمل دريـغ او قـانوني حيثيت لـري؟ پداسې حال کې چې ددې کسانو نومونـه بـه ټاکنو لپاره په تيارشوو لستونو کې هم شامل وي .

لـه قـانوني او حقـوقي اړخـه دا ډول عمـل کـوم جـواز نلـري ، ځکـه کـه داسـې وشـي نـو د کانديـدانو لخـوا ترسـره شـوو لګښتونو عـوض بـه څوك ورکـوي؟ او هـم ددوې د هغـه نـو وخت تلافـي بـه څنګه کېږي چې پـه خپـل کمپاين کې يې لګولي او اوس يـې لـه نتيجې څخـه يې برخې کېږي ددنيـا د هيڅ پـه ټاکنيزو قوانينـو کـې ددې اجـازه نـشته چـې د نهـايي لـست لـه اعلان وروسته دې څوك د ټاکنو له بهير څخه

۷مخ

در آزمون زندگی...

زندگی نه بـه معنـی داشـتن شـهادتنامه هـای افتخـاری و نـه هـم شـکوه و بزرگـی بـه میـراث مانـده اسـت؛ بلکـه زنـدگی همانـا عـصارهٔ ازعـرق ریختـهٔ جبـین، محـصولی از تلاش و فداکاری، تبلـور قطـره هـای ریختـه ازخونابـه هـای پیکارگران، تجسمی ازفرآورده هـای ضـجه هـا و نالـه هـای زحمتکشان و رنج و درد بی امان رنجبران است!

بدانکه درین گیـرودار، هرگـاه بـا چـوب و چمـاق حـسد پیشگان رویـاروی گـشتی و چـشمان رشـک و حـسادت بـه پیرامونـت دوختـه شـد، انگـار کـه بـه اوجنـای زمـان گـام گذاشته و بـه قلـهٔ مجـد رسـیده ای؛ جایگـاهی کـه مقـدمت را با تـوپ هـای شـرف و افتخـار و حـضورت را بـا پـذیرایی گـرم، گرامـی مـی دارنـد. اگـر قـرار باشـد، پـدرت در میـان مردمان برفراز شـامخترین قلـهٔ مجـد تکیـه زنـد، هـیچ گـاه مردمـان، بـه اعتبـار پـدر، تـرا بـه مقـام شـامخی نخواهنـد نشاند.

آری، مـسلما دریـن آزمونگـاه پیـره زنـی توانـا و دلیـر، بیـشترازبیش سـزاوار ترحیـب و خـوش آمـد خواهـد بـود تـا جوان هرزه و بی نـشاط. محـک ارج گـذاری بـه طـول قـد و قامـت و وزن جـسم و قیافـهٔ ظـاهری آدمـی نیـست؛ بلکـه محک سـنجش و آزمـون هریکـی بـه میـزان خـرد و دانـایی و پـشتکار و توانـایی و داشـتن غـرور و همـت عـالی انـسانی است.

در واقـع زنـدگی بـه مثابـهٔ بـازار بزرگـی ازعرضـه و تقاضـا ومیدانگـهٔ از دادوسـتد اسـت بـه میـزان داشـته هـا و اندوخته هایـت معاملـه خـواهی کـرد، و بـه پیمانـهٔ کـه مـی دهـی مـی سـتانی. دریـن گیـرودار، هرگـز زر را بـه چـوب نخـواهی سـتاند، وهـیچ گـاه خواروبـاری را مفـت و رایگـان بـه دسـت نخـواهی آورد. آری، زنـدگی یـک مـسابقه اسـت، ودرین میدان هرگز الاغ بر اسپ پیشی نخواهد گرفت.

اگـر بـه زنـدگی، تـوأم بـا روح صـفا و بادیـد سرشـاراز زیبایی و طـراوت، و بـا چـشمان انباشـته ازسـرور و شـادمانی بـه آن بنگـری، یقینـا جلـوه هـای ازباغچـه هـای قـشنگ ومـوجی ازگلزارهـای معطـر را در قبالـت آراسـته خـواهی یافـت؛ بـستان هـا و چمنزارهـایی تـوأم بـا آهنـگ هـای دلربای بلبلان، جـوی هـای مملـو ازآب طـراوت بخـش کـه پیرامـونش پرنـدگان خـوش الحـان تـرنم کننـد ونغمـه سـرایند!. امـا اگـر بـا زنـدگی بـا پروبـال شکـسته و روح و روان افـسرده، رویـاروی گـشتی و بـا دیـد ناامیدانـه بـه وی نگریـستی بایـستی انتظـارت از زمـان، همانـا آرزوهـای زیـر آوارمانـدهٔ سـراب یـأس، کـاخ هـای واژگـون شـده وازهـم ریخته، در پیش چشمانت نمودارخواهد گشت.

زنـدگی سـعادتمند، داشـتن ضـمیرآگاه، روان بـی آلایـش، طهـارت وجـود، بـدن سـالم و قناعـت نفـس اسـت. اما حیـات نـاگوار وآگنـده ازناهنجـاری هـا، تـاختن و لحظـهٔ نیاسودن از پـی متـاع دنیـایی اسـت. و یـا هـم تخیـل و بـه سرپرورانیدن هـوا وهـوس، غرقـه گـشتن در گنـاه و معاصـی و فرورفتن درلجنزار مردا ها.

هـان ای فرزانـه! خویـشتن را از طـاغوت زر و سـیم، ازبـت خودخـواهی واز وسوسـهٔ حـسد برِهـان، وهماننـد خرما- درخت سروگونه و پرثمـری مـی بـاش کـه بـا خوشـه های آراسته اش لـذت بخـش و گـوارا اسـت، و نـه بـه گونـهٔ حنظـل زهـرآگین کـه میـوهٔ تلـخ و زهرنـاکش کـام آدمـی رامی درد. بایستی هماننـد زنبورعـسل باشـی، کـه برگـل هـا فرو می آید وعـصاره هـای شـگوفه هـا وگلبـرگ هـا را مـی مکد و شـهد پـاکیزه و شـفا بخـشی بـه جـا مـی گـذارد، نـه همانند مگسی که برآلودگی هـا فـرود مـی آیـد و آگنـده هـا را حمـل نمـوده زخـم هـا را ناسـور و جـسم هـا را علیـل و بیمارمی کند!

عوامل کاهش نرخ دالر در بازارهای افغانستان

* عنایت *



نـرخ دالـر در بـازار هـای افغانـستان از مـدتی بدین سو سیر نزولـی خـود را مـی پیمایـد، امـا شـدت ایـن افـت در ایـن روز هـا خیلـی محسوس است.

گفتـه مـی شـود کـاهش نـرخ دالـر در افغانـستان عوامـل ملـی و بـین المللـی دارد. برخی هـا بـدین باورنـد کـه کـاهش نـرخ دالـر یـک پدیـدهٔ جهـانی بـوده و در بـسیاری از بازارهـای بیرونـی دالـر، ارزش رو بـه صـعود و یـا هـم ثابـت خـود را در برابـر برخـی اسـعار کـشورهای سـرمایه دار جهـان از دسـت داده اسـت. بنـا بـرآن، از آن جـایی کـه امریکـا بـا گذشـت هـر روز بـا خـساره هـای اقتـصادی و مـالی در جنـگ بـا تروریـزم روبروسـت مـی توانـد ایـن رونـد درکـاهش دالـر امریکـایی در مارکیـت هـای افغانـستان نیـز نقـش داشـته باشد.

یعنـی بحرانـی مـالی درامریکـا، در کـاهش نـرخ دالـر، در کـشوری کـه جنـگ را در آن رهبـری مـی کنـد و هنـوز معلـوم نیـست کـه سرنوشـت آن بـه کجـا خواهـد انجـام تـأثیر گذاراست.

ازسوی دیگـر برخـی از آگاهـان معتقـد انـد کـه کـاهش نـرخ دالـر بـا فـصل برداشـت حاصـل تریـاک، ، همزمـان اسـت. بـه گفتـهٔ کارشناسـان عرصـهٔ اقتـصاد سـرمایه هـای مافیایی دراین فـصل سـال، مـصروف خریـدن تریـاک در هلمنـد و قنـدهار انـد و بخـش عمـدهٔ اسـعار بیرونـی در بـازار هـای کـاذب مـصروف تبـادل کالاهـای مـورد نیـاز خـود یعنی محصول تریاک می باشند.

بـه گفتـهٔ ایـن آگاهـان وقتـی عرضـه و تقاضـا همزمـان در یـک جـنس باشـد، کـه عبـارت از محـصول حـشیش اسـت، بـدون شک در دیگـر عرصـه هـا ارزش دالـر کـاهش می یابد.

سیف الـدین سـیحون اسـتاد دانـشگاه کابـل می گوید، با توجـه بـه اوضـاع شـکنند داخلـی، اسـعار بیرونـی و پـول افغـانی در ایـن روز هـا بـه بیـرون صـادر مـی شـود. بـه بـاور ایـن کارشـناس وقتـی ثبـات در مارکیـت نباشـد، همـه اجنـاس از جملـه پـول کـه وسـیله و پشتیبانهٔ مبادلـه کـالا در بـازار اسـت بـی ارزش شود.

امـا سـوال اساسـی ایـن اسـت وقتـی ارزش دالر در بـازار کـاهش مـی یابـد چـرا نـرخ مـواد اولیه با گذشت هر روز رو به بالاست؟

بـه بـاور کارشناسـان، مـواد اولیـه عمـدتاً از کـشورهای همـسایه بـه خـصوص پاکـستان وارد می شود، بـا آن کـه پاکـستان در ایـن روز ها با موضـوعات متعـدد بـین المللـی در روابـط سیاسـی خـود بـا کـشورهای بیرونـی درگیـر اسـت، امـا توانـسته بلانـس اقتـصادی خـود را مانـد گذشـته حفـظ نمـوده ارزش کلـدار را در تبادل کالاهای مصرفی به بیرون نگهدارد.

از سوی دیگر برخی هـا کـاهش دالـر و بـالا رفتن مـواد سـوخت و خـوراکی را در نبـود بـازار ثابـت کـه تـوأم بـا اعتمـاد، بـین کـشورهای منطقه باشد عنوان می کنند.

آگاهـان معتقدنـد، نوسـاناتی مـرزی بـین کـشورهای همـسایهٔ افغانـستان در ایـن زمینـه تأثیر گـذار اسـت و مـی توانـد تغییراتـی جـدی را در کـاهش و یـا هـم افـزایش اوراق بهـادار و اجناس مورد نیاز وارد سازد.